

فصلنامه علمی تخصصی اسلام پژوهان
سال یازدهم، شماره سی و یکم، پاییز ۱۴۰۳

نقش توسل در شکل‌گیری رفتار فردی در زندگی انسان از منظر آیات و روایات

علی حاجی جعفری*

فائزه سلطانی**

نسیبه سادات هوشیاری یزدی***

چکیده

یکی از مسائل مطرح در اسلام مسأله توسل است. بدون شک آدمی برای تحصیل کمالات مادی و معنوی، به غیر خود؛ یعنی خارج از محدوده وجودی خویش، نیازمند است. عالم هستی بر اساس نظام اسباب و مسببات استوار شده و تمسک به سببها و وسایل برای رسیدن به کمالات مادی و معنوی لازمه این نظام است.

اگرچه توسل به خودی خود می‌تواند راهگشا برای انسان باشد اما از طرفی این توان را دارد که در زندگی انسان از بُعد اجتماعی و فردی نیز نقش آفرینی کند. البته بُعد فردی از آن جهت که خود در بُعد اجتماعی تأثیرگذار بوده از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این مقاله با بهره‌گیری از آیات و روایات و با توصیف و تحلیل گزاره‌های مربوط به نقش توسل در زندگی فردی انسان و آثار آن پرداخته شده است. آثاری همچون دارا شدن روح خاضع در برابر خدا، اهل‌البیت علیهم‌السلام؛ و بندگان مؤمن، شکوفایی استعدادها، دوری از گناه، معصیت و استغفار، آرامش روانی، وسیله‌ای برای پیمودن راه توحید، تقویت روحیه‌ی دعا و تقرب به خدای متعال که هر کدام به تنهایی برای سعادت‌مند شدن انسان در زندگی فردی‌اش کافیست.

واژگان کلیدی: توسل، واسطه، شکل‌گیری رفتار، زندگی فردی، قرآن، روایات.

* . دانشجوی رشته شیعه‌شناسی مؤسسه امام رضا علیه‌السلام و مرکز تخصصی شیعه‌شناسی.

** . سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء علیها‌السلام.

*** . سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء علیها‌السلام.

مقدمه

رفتار نقش مهمی در شکل دادن به زندگی افراد دارد. تأثیر رفتارها و عقاید مذهبی بر تغییر رفتار انسان، یکی از مباحث مهم پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی است.

یکی از راه‌های موثر بر شکل‌گیری رفتارهای انسان توسل به اهل‌البیت علیهم‌السلام می‌باشد. توسل به اهل بیت نوعی ارتباط قلبی با ایشان است که این ارتباط باعث تأثیرات مثبت در شناخت، هیجان و رفتار انسان می‌شود. این سه، ارتباطی در هم تنیده دارند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.^۱

با توجه به آیات قرآن کریم و روایات توسل معنای بسیار وسیعی دارد که واسطه قرار دادن هر کار و هر چیزی که باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار شود را شامل می‌شود.

انسان برای تقرب به خدا و آمرزش گناهان و رفع نیازهای معنوی و دنیوی به کسانی که خداوند آنان برای این امر جایگاهی داده است توسل می‌جوید. در قرآن کریم خدای متعال به مسلمانان دستور فرموده که:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.»

۱. مصباح یزدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۶۳.

۲. سوره مائده: آیه ۳۵.

توسل، به‌ویژه توسل به اهل‌البیت علیهم‌السلام در گونه‌ها و روش‌های مختلف آن در زندگی مسلمانان و شیعیان امری متداول است. بی‌شک این امر در زندگی انسان آثار گوناگونی می‌تواند داشته باشد. با بررسی آیات قرآن کریم و روایات صادره از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام؛ به دست می‌آید که توسل نقش حائز اهمیتی در شکل‌گیری رفتار فردی انسان‌ها دارد.

جوانشیر و تاجیک (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که توسل به اهل‌البیت علیهم‌السلام؛ به‌عنوان یک رفتار دینی، نه تنها پشتوانه‌ای از شناخت‌ها و هیجانات دارد بلکه بر آنها تأثیرگذار نیز است. توسل به اهل‌البیت علیهم‌السلام می‌تواند بر عوامل شناختی، رفتاری و هیجانی رفتار نابهنجار مؤثر باشد. عوامل شناختی، شامل شناخت‌های مهم انسان (شناخت خدا، اهل‌بیت، معاد و...) و عوامل هیجانی شامل، هیجان‌های مهم او (هیجان نسبت به خدا، اهل‌بیت علیهم‌السلام؛ و...) می‌شود. عوامل رفتاری، شامل رفتارهای زمینه‌سازی رفتار نابهنجار (دروغ، ظلم، کسب حرام) می‌شود.

فخری (۱۳۹۱) در پژوهش خود با بررسی آیات و روایات به این نتیجه رسید که توسل به اهل‌بیت: در حوزه اهداف غایی تربیت، ضمن نشان دادن هدف نهایی زندگی، زمینه‌های وصول به قرب الهی، هدایت و سعادت را فراهم می‌سازد. در زمینه اهداف میانی تربیت نیز، این آثار برای توسل به دست آمد: در بعد بینشی؛ شناخت خدا، یاد خدا و شناخت امام، در بعد گرایش؛ گرایش به توبه، ایجاد روحیه امید، احساس امنیت، تولی و تبری، تحول روحی، طهارت نفس و کرامت و عزت نفس، در بعد رفتاری؛ الگوگیری، جلوگیری از غرور، تواضع، دعا، دوری از نفاق، جلوگیری از خسران و ندامت و جبران کاستی‌ها.

هر چند پژوهش‌هایی در زمینه آثار توسل انجام شده است؛ اما پژوهشی که به‌طور مجزا به بررسی نقش توسل در شکل‌گیری رفتار انسان از جنبه فردی



پرداخته باشد یافت نشد. بنابراین در این نوشتار با هدف بررسی نقش توسل در زندگی فردی انسان با روش توصیف و تحلیل گزاره‌های مربوط به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که نقش توسل در شکل‌گیری رفتار فردی انسان از منظر آیات و روایات چیست؟

مفهوم‌شناسی

برای فهم بهتر و دقیق‌تر مطالب یک پژوهش، شناخت مفاهیم و واژگان کلیدی آن، بسیار مهم است. به همین منظور در ابتداء مباحث، به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی واژه کلیدی «توسل» از کتب معتبر لغت می‌پردازیم.

۷۴

۱- توسل در لغت

واژه‌ی توسل از ماده «وَسَلَ» است که به معنی «التَّوَسَّلَ إِلَى الشَّيْءِ بِرَغْبَةٍ وَهِيَ أَوْحَصُ مِنَ الْوَصِيلَةِ؛ کلمه توسل به معنای رساندن خود به چیزی است با رغبت و میل و این کلمه از نظر معنی، اخص از کلمه وصیله است»^۱. در لسان العرب به معنای وسیله آورده شده است؛ «الْوَسِيلَةُ هِيَ فِي الْأَصْلِ مَا يَتَوَسَّلُ بِهِ إِلَى الشَّيْءِ وَيَتَقَرَّبُ بِهِ، وَالْمُرَادُ بِهِ فِي الْحَدِيثِ الْقُرْبُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى؛ وسیله چیزی است که انسان به سبب آن به مقصود خود رهنمون می‌شود و مراد از آن در حدیث تقرب الی الله است»^۲. توسل همچنین به معنی تقرب و نزدیکی است و آن چیزی است که با آن تقرب حاصل می‌شود.^۳

توسل از خانواده‌ی وسیله است، و به معنای واسطه قرار دادن چیزی برای تقرب به خداوند متعال است، مانند این که نردبان وسیله رفتن به پشت بام و

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، ۱۴۰۴: ۵۲۳.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ۱۴۱۴ق: ۳۰۱/۱۵.

۳. قرشی بنایی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، ۱۳۸۱: ۲۱۸/۵.

آسانسور وسیله رفتن به طبقات بالای ساختمان است، و یا هواپیما وسیله رفتن از اینجا به مکه است. به این منظور لغت شناس معروف ابن منظور می‌نویسد:

«تَوَسَّلَ إِلَيْهِ بِكَذَا؛ تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِحُرْمَةٍ أَمْرَةٍ تَعَطَّفَهُ عَلَيْهِ»^۱

«به فلان موجود متوسل شد، یعنی به وسیله احترام و مقام آنچه

نظر وی را جلب می‌کند به او نزدیک گردید».

و در لغت فارسی توسل «یعنی به وسیله چیزی، به کسی نزدیکی جستن و

تقرب پیدا کردن است»^۲.

۲- توسل در اصطلاح

توسل آن است که بنده چیزی یا شخصی را نزد خداوند واسطه قرار دهد تا به وسیله قریش به خدا مقرب خدا گردد.^۳ به بیان دیگر توسل در اصطلاح به این معناست که انسان در هنگام دعا و استغاثه، به درگاه الهی چیزی عرضه کند؛ مانند صفات و اسماء الهی یا نام پیامبر اکرم ﷺ و یا نام اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام؛ و اولیاء عظیم الشان و فرشتگان که واسطه‌ی پذیرش توبه و اجابت دعاء او و برآورده شدن درخواستش باشند.^۴

۳- توسل در قرآن

خدای متعال در مورد دست یازیدن به وسایل تقرب و توسل جستن در آیات متعدد با صراحت یا دلالت التزامی سخن به میان آورده است؛ مثلاً در این آیه شریفه می‌فرماید:

۱. محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ۷۲۴/۱۱.

۲. معین، محمد، فرهنگ معین، ۱۳۸۶: ۷۶۳/۱.

۳. آلوسی بغدادی، سید محمود شکری، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۱۵: ۱۲۴/۶.

۴. سبحانی تبریزی، جعفر، فی ظلال التوحید، ۱۴۲۱ق: ۵۸۳.



«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید؛ و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید؛ و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.»

در این آیه شریفه امر شده است که انسان برای تقرب به خداوند متعال وسیله و واسطه بجوید. لفظ «الوسيلة» در اینجا مطلق آمده از این‌رو هر چیزی که صلاحیت و شایستگی نزدیک کردن انسان به خدا را دارا باشد و خدا را به یاد آورد، شامل می‌شود.

۷۶

نقش توسل در زندگی فردی انسان

با بررسی آیات قرآن کریم و روایات صادره از رسول‌الله ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام؛ به دست می‌آید که توسل نقش حائز اهمیتی در شکل‌گیری رفتار فردی انسان‌ها دارد. لذا در این بخش از پژوهش به بیان ابعاد این تأثیرگذاری از توسل می‌پردازیم.

۱- دارا شدن روح خاضع در برابر خدا

کبر و غرور منشأ آفات و شرور، و منبع هر هلاکتی و سرچشمه هر شقاوتی غرور است و شیطان لعین به خاطر همین صفت ناپسند از درگاه الهی رانده شد. در آیات و روایات فراوانی انسان متکبر و مغرور مذمت شده و به همین سبب از بهشت محروم گردیده است. پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند:

«لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ؛ هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای، کبر در قلب داشته باشد، وارد بهشت نمی‌شود»^۲.

۱. سوره مائده: آیه ۳۵.

۲. مجلسی، بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۳۱۵: ۱۹۲/۷۰.

خدای متعال نیز در قرآن علت عدم رجوع و توسل منافقان به پیامبر اکرم ﷺ را کبر و غرور آنان دانسته است؛ آنجا که می‌فرماید:

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ»^۱

«و هرگاه به آن‌ها گویند بیایید تا رسول خدا ﷺ برای شما (از حق) آمرزش طلبد سر بیچند و بنگری که با تکبر و نخوت (از حق) روی می‌گردانند».

از این آیه شریفه استفاده می‌شود اگر کسی به پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌البیت علیهم‌السلام: متوسل شود و حاجتی از آن‌ها بخواهد یا در دعا و استغفار آن‌ها را واسطه قرار دهد دچار کبر و غرور نیست؛ در نتیجه فردی که متوسل می‌شود دارای روحیه فروتنی و خشوع در برابر خداوند می‌گردد. در واقع ارادت به ائمه معصومین علیهم‌السلام: سعه‌ی صدر و عظمت روح برای انسان به ارمغان می‌آورد. به ویژه تدبر در زندگی آن‌ها ذهن و روح طغیان‌گر آدمی را به تفکر و حرکت سازنده گرایش می‌دهد.

بلال حبشی در پرتو ارادت به پیامبر ﷺ پا را از زمین فراتر گذارده، تا عرش رحمان ارتقاء یافت و چنان مقامش شامخ گردید که وقتی بر بام کعبه اذان گفت و به جای «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفت، برخی تقاضا کردند بلال اذان نگوید، پیامبر ﷺ قبول کرده و به بلال امر کردند تو اذان نگو و دل بلال شکست؛ لذا جبرئیل نازل شد و گفت: «یا رسول الله! خدا دوست دارد بلال اذان بگوید».^۲ این چه مقامی است که به خاطر بلال، جبرئیل نازل می‌شود و فرمان خدا را در تأیید و تقویت او می‌آورد! این مقام به خاطر خضوع و خشوع بلال به خاطر توسل به محبت و ارادت به رسول خدا ﷺ حاصل شده است.

۱. سوره منافقون: آیه ۵۰.

۲. نه‌اوندی، علی‌اکبر، خزینة الجواهر فی زینة المنابر، ۱۳۷۷: ۵۰۳.



۲- شکوفایی استعدادها

نقش دیگری که توسل در شکل‌گیری رفتاری فرد دارد، شکوفا شدن استعدادهای انسان است. توسل که همان اقتدا به انسان‌های کامل و بزرگداشت آن‌هاست، راه دستیابی به تقوا و باور صحیح و شکوفایی استعدادهاست. در واقع در توسل اهداف عالی‌ای وجود دارد که انسان‌های عارف و اهل معرفت در پی آن هستند و آن بهره‌گیری از فیوضات الهی و رشد و تعالی معنوی است و لذا دستیابی به این هدف بزرگ از راه تقوا و باور صحیح امکان‌پذیر است.

در واقع وجود معصومین: می‌تواند برای مردم الگو و سازنده باشد و از سویی بزرگداشت یاد آن‌ها با توسل و اظهار محبت تحقق می‌یابد و با اعتراف به عظمت و اظهار محبت به آن‌ها، دل‌ها آماده بهره‌گیری بیشتر می‌شود. از این رو توسل راه کمالات برتر و شکوفایی استعدادها را هموار می‌کند. لذا توجه و عنایات آن‌ها با اذن الهی می‌تواند بسیاری از موانع پیشرفت علمی و معنوی را برطرف نماید.

بیان این نکته غیر قابل کتمان است که باید رابطه مسأله توسل و مقتدا قرار دادن بزرگان را که در اسلام به آن توصیه شده است، از یکدیگر جدا ندانست. اشتباه منکران توسل این است که به ابعاد گوناگون توسل و به جایگاه کسانی که به آنان توسل جسته می‌شود، نمی‌نگرند و از آن غافل‌اند؛ در حالی که قرآن کریم به گونه‌ای از آن یاد کرده است تا مسلمانان از این ظرفیت‌هایی که می‌توانند در بُعد علمی و معنوی به انسان کمک کند، غافل نمانند.

۳- دوری از گناه و استغفار

اصولاً کسی که خود را نیازمند به عنایت ائمه علیهم‌السلام می‌بیند و عرض ارادت به ایشان را لازمه کمال و ترقی می‌داند، نفس خود را ملزم می‌کند که در همه حال دور از گناه زندگی کند؛ زیرا گناه عارضه‌ای بنیان برانداز و خطرناک است، که

فرد گناهکار را در مسیر هلاکت قرار می‌دهد و غرائز و استعداد‌های او را به انحراف و سرانجام خاموشی هدایت می‌کند.^۱ لذا امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «وَالْتَّوْبَةُ مِنْ وَرَائِكُمْ؛ توبه باید پشت سر شما باشد»^۲. یعنی اگر گناه کردی، باید بلافاصله توبه کنی.

نمونه‌ای از توسل برای دوری و آمرزش گناهان، فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام هستند. فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام پس از اعتراف به گناهی که در حق حضرت یوسف علیه السلام مرتکب شدند، نزد پدر آمده و از او خواستند برایشان آمرزش بنخواهد:

«قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي»^۳

«ای پدر برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما از گناهکاران هستیم؛ (یعقوب علیه السلام) فرمود به زودی برای شما از پروردگار آمرزش می‌خواهم».

همچنین ابن شهر آشوب در مناقب به سند خود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردی گناهی مرتکب شد و سپس خود را مخفی نمود (برای این که او را دستگیر نکنند) تا این که روزی در خفا و در یک راه خلوت حسن و حسین: را دید، آن‌ها را بر دوش خود گرفت و به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و ملتسانه عرض کرد ای رسول خدا! من پناه آورده‌ام به خدا، و به وسیله این دو کودک. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن چنان خندیدند، به گونه‌ای که دستشان را بر دهانشان گرفتند، آن‌گاه به آن مرد گفتند إِذْهَبْ فَأَنْتَ طَلِيقٌ؛ برو که تو آزاد شده هستی. سپس به حسن و حسین: فرمودند این مرد شما را در مورد نجات خود، شفیع قرار داد تا او را شفاعت کنید.» در این هنگام این آیه نازل شد:

۱. شهیدی، عباس، توسل در نگاه قرآن و حدیث، ۱۳۷۷: ۳۲.


۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

۳. سوره یوسف: آیات ۹۸-۹۷.



«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»^۱

«اگر آنانی که به خودشان ظلم کردند نزد تو آمدند؛ سپس درخواست آمرزش نمودند و پس از آن رسول الله ﷺ برای آنان در پیشگاه خدا طلب مغفرت نمود، خداوند را توبه‌پذیر و مهربان خواهید یافت.»

این آیات و روایات به روشنی، دلالت بر نقش توسل و وسیله قرار دادن پیامبران الهی در جلب رحمت و مغفرت الهی دارند. لذا چنین فردی که مورد رحمت الهی قرار می‌گیرد از گناه دوری می‌کند؛ چراکه جواب آمرزش و رحمت خداوند چیزی جز دوری از گناه نیست. «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؟!». 

۴- آرامش روانی

از برجسته‌ترین نقش‌هایی که توسل در شکل‌گیری رفتار آدمی دارد، ایجاد آرامش روانی در فرد است. آرامش روان، گم شده بزرگ بشر در جوامع امروزی است همان که به تعبیر قرآن کریم، اطمینان قلبی نام گرفته است؛ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲ تمام تلاش انسان در زندگی، رسیدن به آرامش است. انسان مادیات و سایر امکانات مادی را به کار می‌گیرد تا به آرامش برسد و از اضطراب خود بکاهد. مهم‌ترین مشکل انسان در عصر کنونی، فقدان آرامش است؛ از این‌رو برخی از دانشمندان دوران کنونی را عصر اضطراب می‌نامند.^۳ در واقع، رسیدن به کمال انسانی و به‌طور کلی، خدای متعال که انسان را برای نائل شدن به خود خلق کرده، در گرو زیستن همراه با آرامش روحی و روانی در دنیاست.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

۱. نساء: آیه ۶۴؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب ، ۱۳۷۶: ۳/۴۰۰؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق: ۳۱۸/۴۳.

۲. سوره رعد: آیه ۲۸.

۳. دادستان، ۱۳۸۰: ۶۰/۱.

«الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱

«همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام

می‌گیرد، آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

همان‌گونه که یاد خدا آرامش بخش است، یاد خدا زندگی را آسان و دوری از یاد خدا زندگی را دشوار می‌سازد. لذا روشن است که فقط اهل ایمان می‌توانند با توسل به خدا و معصومین: و استمداد از آن‌ها، یاد خدا را در دل خود نهادینه کرده و با واسطه قرار دادن ذوات مقدس ایشان سعادت دنیوی و اخروی خود را به دست آورده، به آرامش روانی می‌رسند. آرامش مؤمنان ویژگی خاصی است که نمایانگر وجود هماهنگی میان عناصر روان ایشان و سازمان‌دهی مناسب آنان با تسلط برخواسته‌های متضاد و رام بودن نفس از نظر خضوع و راهور بودن در برابر صاحب آن است. چنین موهبتی فقط به مؤمن اعطا شده است و می‌توان این آرامش را در چهره او هم مشاهده کرد.^۲

خدای متعال به پیامبرش ﷺ می‌فرماید:

«فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»^۳

«پس ای رسول، اگر مردم از تو روی گردانیدند، بگو خدا مرا

کفایت می‌کند که جز او خدایی نیست من بر او توکل کرده‌ام و او

صاحب عرش بزرگ است».

و این دقیقاً همان کاری است که اباعبدالله الحسین علیه السلام و یارانش در کربلا انجام دادند. با آن‌که اکثر کسانی که روزی از او حمایت کردند، نامه نوشتند و با نماینده‌اش مسلم بن عقیل بیعت کردند: «وَبَايَعَهُ النَّاسُ حَتَّى بَايَعَهُ مِنْهُمْ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ أَلْفًا؛ و مردم با او (مسلم بن عقیل) بیعت کردند تا این‌که تعداد به هجده هزار نفر

۱. سوره رعد: آیه ۲۸.

۲. موسوی اصل، مهدی، روان‌شناسی و دین، ۱۳۸۲: ۸.

۳. سوره توبه: آیه ۱۲۹.



رسید»^۱ و در کربلا از او دست کشیده‌اند، عهدشکنی و بی‌وفایی نموده‌اند و به این هم اکتفا نکرده و شمشیر به رویش کشیده‌اند اما برای امام علیه السلام و یارانش هیچ اهمیتی ندارد و خللی در اراده و هدف آنان ایجاد نمی‌کند. سیدالشهداء علیه السلام با خدای خویش نجوا می‌کنند «إِنَّهُمْ كَذَّبُونَا وَحَدَلُونَا؛ آنان ما را تکذیب نمودند و بی‌یار و یاور گذاردند»؛ اما هراسی نیست چون «أَنْتَ رَبُّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ تویی پروردگار ما و توکل ما بر توست و فقط به تو توسل و انابه می‌کنیم و (در نهایت) بازگشت همه به سوی تو خواهد بود»^۲.

توکل، توسل و امید داشتن در تمامی امور زندگی، یکی از خصوصیات مهم و نقش آفرین امام حسین علیه السلام و اصحاب باوفایش در نهضت عاشورا است. این آرامش فرد مؤمن که ناشی از توسل می‌باشد، ظاهری و سطحی نیست، بلکه عمیق و تا ژرفایی بی‌نهایت است. فرد با توسل به خدا و اهل‌البیت عصمت و طهارت علیهم السلام ارتباط قلبی برقرار می‌کند و در سایه این ارتباط، قلب خود را صفا بخشیده، صیقل می‌دهد و روح خود را از کدورت‌ها و پلیدی‌ها خالص و پاک می‌گرداند.^۳

یکی از مکان‌هایی که خیلی زود باعث تحوّل روحی انسان شده و به او حالت معنوی دست می‌دهد، حرم‌های مطهر رسول خدا و اهل‌البیت علیهم السلام ایشان است؛ چرا که انسان در آنجا خود را محضر امام معصوم علیه السلام می‌بیند و با او صحبت می‌کند.^۴

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد، *الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد*، ۱۴۱۳ق: ۴۱/۲.

۲. سید ابن طاووس، سید علی ابن موسی، *اللهموف على قتلى الطفوف*، ۱۳۸۴: ۱۳۶.

۳. سبحانی، اسرافیل؛ میردریگوندی، رحیم، «آثار روان‌شناختی زیارت در سلامت روانی و زندگی انسان»، ۱۳۹۳: ۱۸.

۴. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ علیهم السلام أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ بِرُزُقُونَ، يَرَوْنَ مَقَامِي، وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي، وَأَنْكَ حَجَّيْتَنِي عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَدِّيذٍ مُنَاجَاهَتِهِمْ. (مفاتیح‌الجنان، اذن دخول زیارت حضرت رضا (ع)).

همین تحول در بعض زیارت نامه‌ها از زبان زوآر و از خواسته‌های او بیان شده است:

«وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مِنْ زِيَارَةِ مَشَاهِدِ أَجْبَانِكَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا قَدْ اسْتَوْجَبَ
عُفْرَانَ الذُّنُوبِ»^۱

«خدایا مرا از کسانی قرار ده که از زیارت مرقد دوستان و اولیائت منقلب (دگرگون) می‌شوند و رستگار و پیروز بر می‌گردند و موجب آمرزش گناهانشان می‌شود».

تجربه هم نشان داده است که انسان‌هایی در طول تاریخ در اثر پیوند و برقراری ارتباط با اهل‌البیت علیهم‌السلام: یا با یک حضور در حرم آن‌ها، از نظر روحی متحوّل شده و به آرامشی رسیده‌اند که قابل وصف نیست.

۵- رفع گرفتاری و اندوه

زندگی بشر همواره با سختی و شدائد عجیب شده است. این از کلام خدا در قرآن کریم نیز برداشت می‌شود؛ آنجا که فرمود:

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»^۲؛ «که ما انسان را به حقیقت در رنج و مشقت آفریدیم (و به بلا و محنتش آزمودیم)».

اما آنچه که مهم و حیاتی است راه خروج از این شدائد و سختی‌هاست. یکی از راه‌های برون رفت از سختی‌ها و برطرف شدن اندوه‌ها، توسل به خدا و اهل‌البیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است چنان که امام رضا علیه‌السلام در این رابطه فرمودند:

«إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شِدَّةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَيَّ اللَّهُ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا؛ هر گاه برای شما سختی و مشکلی پیش آمد از ما استعانت بجوئید و

۱. عباس قمی، *مفاتیح الجنان*، زیارت حضرت عباس، ۱۳۹۷.

۲. سوره بلد: آیه ۴.



به وسیله ما از خداوند رفع مشکلات خود را بخواهید، خداوند متعال می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا».^۱ همچنین از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: «قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام نَحْنُ وَاللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ الَّذِي لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا قَالَ فَادْعُوهُ بِهَا؛ فرمودند به خداوند سوگند ما اسماء حسنی هستیم خداوند عمل کسی را قبول نمی‌کند مگر به واسطه معرفت ما».^۲

باید توجه داشت که این سختی و شدائد برای نوع انسان است، همان‌طور که قبلاً از قرآن اشاره شد خلقت نوع انسان همراه با سختی و شدائد است و به واسطه این سختی و صبر بر آن درجات انسان افزایش می‌یابد. در نتیجه هیچ انسانی از جمله انبیاء و اولیاء الهی از این امر مستثنا نیستند و البته که این سختی‌ها برای آن‌ها بیشتر است؛ چرا که اگر این سختی حاصل ترک اولی باشد مجازات نبی به واسطه برتری مقام و ایمانش بر سایر بندگان، سخت‌تر از مخلوقات دیگر با گناهان بیشتر است و اگر برای بالا رفتن درجه باشد؛ امتحانشان دشوارتر از دیگران است. نکته مهم اما این‌جاست که وقتی کاسه صبر ولی خدا سر ریز گردید و دیگر یارای تحمل نداشت و خواستار راهی برای برون رفت از این وانفسا شد؛ باید با تمسک به واسطه‌ای عظیم و وسیله‌ای بسیار مقرب به درگاه باری تعالی رفته و از او درخواست فرج نماید.

شیخ صدوق رحمته الله علیه می‌نویسد: «جبرئیل به یعقوب علیه السلام نازل شد و گفت آیا نمی‌خواهی به تو دعائی بیاموزم که خدا چشمانت را و فرزندت را به تو برگرداند؟ گفت چرا؟! گفت همان را بگو که پدرت آدم علیه السلام گفت و خدا توبه‌اش را پذیرفت، نوح علیه السلام گفت و کشتی او بر جودی استوار گشت و از غرق نجات

۱. سوره اعراف: ۱۱۸.

۲. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸: ۲۲۹/۵.

یافت و پدرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام وقتی در آتشش افکندند گفت و خدا آن را بر او سرد و سالم ساخت، یعقوب گفت آن چیست؟
فرشته وحی گفت با من بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهم السلام أَنْ تَأْتِيَنِي بِيُوسُفَ وَبِنِيَامِينَ جَمِيعاً وَتُرَدَّ عَلَيَّ عَيْنِي»^۱

«پروردگارا! از تو می‌خواهم بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام که یوسف و بنیامین مرا با هم به من بازگردانی و چشمم را نیز به من برگردانی»؛ هنوز دعای یعقوب علیه السلام تمام نشده بود که بشیر آمد و پیراهن یوسف را بر او افکند و بینائی او برگشت».

شبیبه به همین مضمون از حضرت امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است:

«لَمَّا أَشْرَفَ نُوحٌ عليه السلام عَلَى الْغُرْقِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَدَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الْغُرْقَ وَلَمَّا رَمَى إِبْرَاهِيمَ عليه السلام فِي النَّارِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَجَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ بَرْدًا وَسَلَامًا وَإِنَّ مُوسَى عليه السلام لَمَّا ضَرَبَ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَجُعِلَ يَسَاءً وَإِنَّ عِيسَى عليه السلام لَمَّا أَرَادَ الْيَهُودُ قَتْلَهُ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَتَجَا مِنَ الْقَتْلِ فَرَفَعَهُ إِلَيْهِ»^۲

«وقتی نوح علیه السلام مشرف به غرق شد خدا را به حق ما قسم داد، غرق از او برطرف گردید وقتی ابراهیم علیه السلام را در آتش افکندند، خدا را به حق ما قسم داد، خداوند آتش را بر او سرد و سلامت قرار داد و حضرت موسی علیه السلام وقتی به دریا رهسپار شد خدا را به حق ما قسم داد، خدا آن را خشک کرد و هنگامی که یهودیان تصمیم به کشتن عیسی علیه السلام گرفتند، خدا را به حق ما قسم داد، از کشته شدن نجات یافت و خدا او را به سوی خود برد.»

با توجه به آنچه بیان گردید مشخص می‌گردد که یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای توسل در زندگی فردی انسان‌ها، رها شدن از گرفتاری‌ها و

۱. صدوق، محمد بن علی، *الأمالی للصدوق*، ۱۳۷۶: ۲۵۱.

۲. حر عاملی، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، ۱۴۱۰ق: ۱۰۳/۷.



اندوه‌هاست و در این زمینه بهترین تمسک و دست‌آویز وجود مقدس رسول مکرم اسلام ﷺ و خاندان عظیم الشان ایشان است. هر انسان اندوهگین و گرفتار می‌تواند با الگو گرفتن از انبیاء و اولیاء الهی به این ذوات مقدس توسل پیدا کرده و غم و اندوه را از خود برطرف سازد.

۶- کسب معرفت و شناخت

عبادت در پرتو شناخت حاصل می‌شود. آنجا که خدای متعال فرمود اساس خلقت انسان برای عبادت است، برخی از مفسرین مثل ابن عباس «لِيَعْبُدُونَ» را «لِيَعْرِفُونَ» معنا کرده‌اند؛^۱ چرا که عبادت بدون معرفت اصلاً حاصل نمی‌شود و یا در صورت حصول، بی‌فایده و بدون روح است. هرچه این معرفت بالاتر رود کیفیت عبادت بالاتر می‌رود و البته درجات عالی‌تری نصیب عابد می‌گردد. از این رو وقتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام سؤال کرد که آیا خدا نادیدنی را می‌پرستی، مولای متقیان علیه السلام پاسخ دادند هرگز خدایی را که ندیده باشم پرستش نمی‌کنم؛ یعنی من خدا را با چشم عقل خود دیده و شناخته‌ام و از روی معرفت او را برگزیده و عبادت می‌کنم در توسل نیز، وقتی شخص متوسل رو به دست یازی و توسل می‌آورد که حداقل شناختی در مورد متوسل به و متوسل‌الیه پیدا کرده باشد و هرچه معرفت بالاتر رود توسل عمیق‌تر می‌گردد و هرچه توسل عمیق‌تر گردد قطعاً معرفت بالاتر می‌رود و این رابطه دائماً به صورت دو طرفه در حال کنش و واکنش می‌باشد.

امام رضا علیه السلام نیز در مورد پاداش زیارت خواهر بزرگوارشان حضرت معصومه علیه السلام این چنین می‌فرماید:

۱. ابن عربی، محیی الدین، رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، ۱۴۱۰ق: ۱۴۵/۲.

«مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ هر کس او را در حالی زیارت کند که به حق او آگاه باشد، بهشت پاداش اوست.»^۱

همچنین در فرازی از زیارت‌نامه آن بانوی ارجمند که از برادرشان امام رضا علیه السلام نقل شده، آمده است «وَأَنْ لَا يَسْلُبْنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ؛ از خدا می‌خواهیم که معرفت به شأن شما را از ما سلب نکند، او سرپرستی توانا است.»^۲

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پیش از هر چیز، می‌بایست شخصیت و جایگاه ائمه معصومین و اولیاء الهی علیهم السلام را شناخت و پاداش زیارت و توسل به این بزرگواران نیز به همین شناخت و عمق معرفت بستگی دارد. پس هم توسل به عنوان مقدمه خودش معرفت و شناخت را ایجاد می‌کند و هم به‌عنوان مقدمه‌ای برای شناخت و معرفت قرار می‌گیرد و شخص متوسل به دلیل توسل از این شناخت و معرفت برخوردار می‌گردد.

۷- انگیزه برای پیمودن راه توحید

توسل به اولیاء الهی مستحب است و از طرفی روش قرآن از نظر تربیتی و منحرف نشدن از مسیر درست الهی این است که باید همواره با اولیاء الهی مرتبط بود، از اینجا سرّ این مسأله روشن می‌شود که چرا اهل البیت علیهم السلام در احادیث، وسیله، مسلک، حبل، سفینه و نظائر آن نامیده شده‌اند.

حضرت زهرا علیها السلام در خطبه‌ی معروف خود چنین فرمودند:

«وَاحْمَدُوا اللَّهَ الَّذِي لِعَظَمَتِهِ وَنُورِهِ يَتَّبِعِي مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَيْهِ

الْوَسِيلَةَ وَنَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ»^۳

۱. مجلسی، محمدباقر، پیشین، ۱۳۱۵ق: ۲۶۶/۹۹.

۲. همان، ۲۶۷.

۳. ابن ابی الحدید، عبدالمحمید ابن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید: ص ۲۱۱.



«حمد گویند خدایی را که عظمت و نورش ایجاب می کند که اهل آسمانها و زمین (برای نزدیکی او) وسیله تحصیل کنند. و ما اهل البیت رسول الله ﷺ وسیله او در میان خلقش هستیم».

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«الْأَيْمَةُ عليه السلام مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ هُمْ عُرْوَةُ الْوَقْتِي وَهُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى»^۱

«ایمه: از نسل حسین علیه السلام هستند. هر کس آنان را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و هر کس آنان را عصیان کند، خدا را نافرمانی کرده است، آنان دستگیره محکم الهی و وسیله برای تقرب به سوی خدای متعال اند».

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلُوكَ إِلَى جَنَّتِكَ»^۲

«پروردگارا درود بفرست بر پاکیزه ترین خویشان آن بزرگوار که آنان را دست آویزی به سوی خودت و راه بهشت قرار دادی».

لذا از این روایات چنین برداشت می شود که اهل البیت علیهم السلام: صراط مستقیم، حبل محکم خدا، وسیله و مسلک الی الله اند. هر پوینده راه الهی و جوینده رضوان خدا چاره ای جز طی طریق خدا را ندارد و الا به مقصد نمی رسد. چرا که راه بی نشان، انسان را به مقصد نمی رساند و رونده چنین راه هرگز نمی تواند به صحّت مسیری که می رود اطمینان داشته باشد، چه بسا در دو راهه های هوای نفس گرفتار و سرگردان شود. لذا خداوند متعال اهل البیت علیهم السلام: را علائم و راه و الگوی مجسم قرار داد تا هر سالک الی الله بدین وسیله با اطمینان خاطر مسیر

۱. العروسی الحویزی، عبدعلی ابن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ۱۳۸۲: ۶۲۶.

۲. فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، ۱۳۷۵: ۳۳۴.



کمال را طی بکند.^۱ در نتیجه از هر آنچه گفته شد برمی‌آید که یکی از نقش‌های توسل، تقویت بُعد توحیدی فرد است.

۸- تقویت روحیه‌ی دعا

تقویت روحیه‌ی دعا از دیگر ثمراتی است که بر پایه توسل شکل می‌گیرد. در واقع دعا کلیدی است که با آن گنجینه‌ی بخشایش الهی را می‌توان گشود. دعا وسیله قرب الی الله و مغز عبادت باری تعالی است و موجب نزول برکات خداوندی است. یکی از ویژگی‌های حیات دینی را دعا و نیایش می‌دانند. دعا یا اتصال با روح عالم خلقت، فرایندی است که در آن واقعاً کاری با ثمر انجام می‌شود و قدرتی معنوی به همراه آثار روان‌شناختی یا جسمانی در انسان جریان می‌یابد. دعا نوعی کسب نیرو و انرژی معنوی یا رحمت الهی است که حکایت از امر واقعی نه خیالی و توهمی می‌کند.^۲

دعا موجب تکامل معنوی انسان و انسانیت می‌شود. دعا، خود عبادت است و تنها راه تکامل انسان نیز عبادت است. اگر از قرآن سؤال شود که برای چه انسان خلق شده است پاسخ می‌دهد:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۳

«و من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی)

پرستش کنند» (ذاریات / ۲۷).

دعا کننده از طریق دعا، سعی می‌کند صفات خدایی را در خود ایجاد نماید و کوشش می‌کند همچنان که خدا را به صفاتی مانند مهربانی و گذشت متصف می‌سازد؛ او نیز با دیگران مهربان و باگذشت باشد. بزرگ‌ترین فایده‌ی دعا و حتی

۱. صدقی، محمد، «توسل به اولیاء الهی راه سلامت ایمان توحیدی»، ۱۳۸۷: صص ۱۷۰-۱۷۱.

۲. جیمز، ویلیام، دین و روان، ۱۳۷۲: ۱۷۸.

۳. سوره ذاریات: آیه ۲۷.



عبادات، جلوگیری از طغیان نفس است و نابود ساختن خودخواهی که به منزله ریشه‌کن کردن تمامی معایب اخلاقی و آماده نمودن خود برای کسب همه فضایل است.^۱

در قرآن و روایات بر دعا کردن و درخواست نیاز از درگاه الهی تاکید شده است؛ تا جایی که بی توجهی به آن نشانه تکبر دانسته شده است. خداوند متعال می‌فرماید:

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ

جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^۲

«مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم. به یقین کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند بزودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند».

یکی از اعمالی که در توسل انجام می‌شود، دعاست. در هر حال، ارتباط با خدا و دعا موجب تخلیه هیجانی و آزاد شدن انرژی‌های درونی انسان می‌گردد. همچنین این ارتباط معنوی موجب هشیاری فزاینده و احساس شادابی می‌گردد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد؛ دعا از منظر روان‌شناختی، از یک سو، در انسان نور امید برای رسیدن به اهدافش را زنده می‌کند و از سوی دیگر، علاوه بر تخلیه هیجانی و احساس آرامش، حس نزدیکی به معبود را در انسان به وجود می‌آورد.^۳

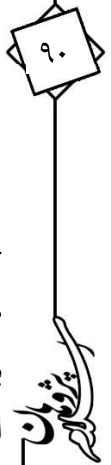
۹- تقرب به درگاه الهی

توسل نقش دیگری در شکل‌گیری رفتار فرد دارد و آن تقرب به خداست. قرآن کریم، انسان را به بهره گرفتن از وسائل معنوی دعوت کرده و می‌فرماید:

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، ۱۳۸۰: ۳۹.

۲. سوره غافر: آیه ۶۰.

۳. جان بزرگی، مسعود، «بررسی اثر بخشی روان درمانگری کوتاه مدت؛ آموزش خود درمانگری با و بدون جهت گیری مذهبی اسلامی بر مهار اضطراب و تنبذگی»، ۱۳۷۸: ۲۳۰.



«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱

«ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و دست آویز و وسیله‌ای (از ایمان، عمل صالح و آبروی مقربان درگاهش) برای تقرب به سوی او بجویید و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید».

باید توجه نمود که وسیله به معنای تقرب نیست، بلکه چیزی است که مایه‌ی تقرب به خدا می‌گردد و یکی از طرق آن، جهاد در راه خداست که در آیه ذکر شده است و در عین حال می‌تواند، چیزهای دیگری نیز وسیله تقرب باشد. و طبق تفسیر صافی «هُمُ الْعَزْوَةُ الْوُثْقَىٰ وَالْوَسِيلَةَ إِلَى اللَّهِ؛ اهل البیت علیهم‌السلام: همان ریسمان محکم و وسیله‌ی تقرب به خداوند هستند»^۲.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

«أَنَا وَاهْلُ بَيْتِي شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَأَعْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا فَمَنْ تَمَسَّكَ بِنَا اتَّخَذَ إِلَيَّ رِبِّيَّةً سَبِيلًا»^۳

«من و اهل بیتم درختی هستیم در بهشت که شاخه‌های آن در دنیا است پس هرکس به ما تمسک و توسل جوید راه به سوی خدا خواهد برد».

از این رو انسان در پرتو توسل، حقیقت بندگی را در می‌یابد و در نتیجه به خدا نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. ملائکه‌ی الهی از آن حیث که از سعه و مرتبه وجودی بالا و والایی برخوردارند، می‌توانند به‌عنوان متوسل به برای دیگران، اسباب تقرب و وسیله مغفرت باشند و لذا براساس آیات قرآن کریم ملائکه‌ی الهی در حق مؤمنین دعا و از پیشگاه خداوند برای آنان طلب آمرزش می‌کنند:

۱. سوره مائده: ۳۵.

۲. فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر الصافی، ۱۴۱۶ق: ۲۸۸.

۳. طبری، محب الدین، ذخایر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ۱۴۲۸ق: ۱۶.



«رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ. رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۱

«ملائکه‌ی الهی عرضه می‌دارند) پروردگارا، علم و رحمت تو همه چیز را فراگرفته است، پس آنان را که توبه کرده و راه تو را پیش گرفته‌اند، بیامرز و از عذاب دوزخ رهایشان ساز. بار الها آنها را در بهشت عدن (و برین) که به ایشان وعده داده‌ای، همراه با پدران و مادران و همسران و فرزندان‌شان که صالحند داخل گردان که براستی تویی خداوند مقتدر حکیم و مؤمنان را (به لطف و عنایت خود) از ارتکاب اعمال زشت مصون دار که هرکس را از زشتکاری محفوظ داری، او را مورد عنایت و رحمت خود قرار داده‌ای و این است که براستی رستگاری و فیروزی به شمار می‌رود».

در مواردی خداوند به پیامبر ﷺ خطاب می‌کند که در مورد زنان و مردان با ایمان و پیروان خویش، عفو و گذشت داشته باشد و برای آنان طلب آمرزش نماید. مدلول التزامی این امر این است که دیگران نیز از پیامبر ﷺ طلب وساطت نمایند و به ایشان متوسل شوند تا تقرب بیشتری به خداوند پیدا کنند:

«فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ»^۲

«ای پیامبر(ما) از خطاهای مردم درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن».

«وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۳

«برای مؤمنان از خداوند طلب مغفرت کن که براستی خداوند بخشنده و مهربان است».

۱. سوره غافر: آیات ۹-۷.

۲. سوره آل عمران: آیه ۱۵۹.

۳. سوره نور: آیه ۶۲.

نقش توسل در شکل‌گیری رفتار فردی در زندگی انسان از منظر آیات و روایات

«وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱

«برای زنان مؤمن از درگاه الهی طلب آمرزش نما که براستی

خداوند بخشنده و مهربان است».

آنچه در تمامی آیات گذشته به آن اشاره شد، واسطه شدن انسانی شایسته و برگزیده در بارگاه خداوند و درخواست و تقاضای او در حق خود و دیگران در همین دنیا است. در واقع واسطه (توسل) به چنین انسان‌هایی نقش اساسی در تقرب الهی دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد توسل در منظر آیات روایات علاوه بر مقبولیت در نزد خدای متعال و اهل‌البیت علیهم‌السلام: مورد سفارش و توصیه‌ی ایشان قرار گرفته است؛ چرا که در زندگی فردی و اجتماعی انسان مؤمن و متوسل نقش بی‌بدیل و منحصر به فردی را ایفا می‌کند.

شخص متوسل علاوه بر بهره‌گیری از فیوضات الهی و نور اهل‌البیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام: می‌تواند زندگی خود به خصوص بعد فردی آن را سر و سامان داده و شخص فروتن و خاضعی در برابر پروردگار و اهل‌البیت علیهم‌السلام: و مؤمنان گردد. استعدادهای خود را شکوفا ساخته و در مسیر رشد و تعالی خود و نزدیکانش به کار گیرد. از گناهان و معصیت دوری کند تا در هنگام توسل عمیق‌تر و سریع‌تر به منبع لایزال الهی متصل گردد و در پرتو این توسل آرامش روانی و تسکین نفسانی پیدا کرده و مصداق «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جِزَاءُ الْكَافِرِينَ»؛ «سپس خداوند «سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد؛ و لشکرهایی فرستاد که شما نمی‌دیدید؛ و کافران را مجازات کرد؛ و این است جزای کافران!»^۱ قرار گیرد و از گرفتاری‌ها و اندوه‌ها رهایی یابد.

علاوه بر آن توسل به اهل‌بیت: که موجبات کسب معرفت و شناخت را نسبت به این بزرگوران فراهم می‌آورد، باعث می‌شود که روحیه دعا و توحید فردی در شخص متوسل تقویت شود و در نهایت با قدم برداشتن در مسیر توحید به قرب الهی نزدیک گردد. پس انسان متوسل نسبت به غیر متوسلین از

۱. سوره توبه: آیه ۲۶.

زندگی پربارتری برخوردار بوده و همیشه در سایه مهر الهی و فرستادگان صالح او متنعم از نعمات بی‌شمار است.

پیشنهادها

با توجه به آنچه که مطرح شد و براساس نتایج به دست آمده در این پژوهش و با توجه به این امر که تحقیق علمی همواره جریانی مستمر و نامحدود است و نمی‌توان برای آن پایانی متصور شد و هر تحقیقی ناگزیر سئوالات دیگر را برمی‌انگیزد پیشنهاد می‌گردد که محققان به «نقش توسل در شکل‌گیری رفتار اجتماعی انسان از منظر آیات و روایات» بپردازند. زیرا رفتار اجتماعی افراد تحت تأثیر رفتار فردی‌شان دستخوش تغییر است. همچنین با توجه به اهمیت نقش توسل در شکل‌گیری رفتار انسان‌ها، پیشنهاد می‌شود که عوامل و موانع عدم توسل افراد به اهل‌البیت علیهم‌السلام نیز بررسی شود و راه‌کارهایی در این زمینه ارائه شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آلوسی بغدادی، سید محمود شکری، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، ج ۶، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید ابن هبه الله، *شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید*؛ بیروت: داراحیاء الکتب العربیه، [بی تا].
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی للصدوق*؛ ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، چ ۶، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۳، نجف الاشرف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق.
۵. ابن عربی، محیی الدین، *رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن*؛ ج ۲، چ ۱، [بی جا]: [بی نا]، ۱۴۱۰ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*؛ ج ۱۱، چ ۳، بیروت: دارالصادر، ۱۴۱۴ق.
۷. جان بزرگی، مسعود، «بررسی اثر بخشی روان درمانگری کوتاه مدت؛ آموزش خود درمانگری با و بدون جهت گیری مذهبی اسلامی بر مهار اضطراب و تنیدگی»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
۸. جمعی از نویسندگان، *دانشنامه امام علی (علیه السلام)*، زیر نظر: علی اکبر رشاد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.



۹. جوانشیر، عباس؛ تاجیک، حبیب‌الله، «نقش توسل بر تغییر رفتارهای نابهنجار فردی و اجتماعی»، ۱۳۹۸، <https://civilica.com/doc/1977325>.
۱۰. جیمز، ویلیام، *دین و روان*، ترجمه: مهدی قائنی، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۱. حر عاملی، محمدحسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة* ج ۷، چ ۱، قم: آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۱۰ق.
۱۲. حسن‌زاده آملی، حسن، *ترجمه فارسی رساله حول الرؤیة*؛ چ ۱، قم: انتشارات قیام، ۱۳۷۵.
۱۳. دادستان، پریرخ، *روان‌شناسی مرضی تحوّل*، ج ۱، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، چ ۲، تهران: انتشارات نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۱۵. سبحانی تبریزی، جعفر، *فی ظلال التوحید*، تهران: انتشارات مشعر، ۱۴۲۱ق.
۱۶. سبحانی، اسرافیل؛ میردریکوندی، رحیم، «آثار روان‌شناختی زیارت در سلامت روانی و زندگی انسان»، سال ۲۳، ش ۲۰۵، دیماه ۱۳۹۳، صص ۳۰-۱۳.
۱۷. سید ابن طاووس، سید علی ابن موسی، *اللہوف علی قتلی الطفوف*، ترجمه: محمدجواد مولوی‌نیا، چ ۱، قم: انتشارات سرور، ۱۳۸۴.
۱۸. شهیدی، عباس، *توسل در نگاه قرآن و حدیث*، چ ۱، قم: انتشارات پارسائیان، ۱۳۷۷.



۱۹. صدقی، محمد، «توسل به اولیاء الهی راه سلامت ایمان توحیدی»؛ پژوهش‌های فلسفی کلامی، سال دهم، ش ۱، آذر ماه ۱۳۸۷، صص ۱۴۹-۱۷۳.
۲۰. طبری، محب‌الدین، ذخایر العقبی فی مناقب ذوی القربی، چ ۱، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۸ق.
۲۱. العروسی الحویزی، عبدعلی ابن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات دارالتفسیر، ۱۳۸۲ق.
۲۲. فخری، علی محمد، «آثار تربیتی توسل از دیدگاه قرآن و روایات»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
۲۳. فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه؛ تهران: مکتب علمیه اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۴. فیض کاشانی، محمدمحسن، تفسیر الصافی، چ ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۲۵. قرشی بنابی، سید علی اکبر، قاموس قرآن؛ چ ۹، تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۸۱.
۲۶. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، چ ۲، قم: آیین دانش، ۱۳۹۷.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۳، ۷۰، ۹۹، چ ۱، تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۵ق.
۲۸. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۵، چ ۱، بیروت: مؤسسة آل البيت: لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.



۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.

۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی؛ فتحعلی، محمود؛ یوسفیان، حسن؛ مصباح، مجتبی، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، چ ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۹۰.

۳۱. معین، محمد، *فرهنگ معین*، ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۸۶.

۳۲. مفید، محمد بن محمد، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*؛ ج ۲، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۳۳. موسوی اصل، مهدی، *روان شناسی و دین*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.

۳۴. نهاوندی، علی اکبر، *خزینة الجواهر فی زینة المنابر*؛ چ ۷، تهران: انتشارات اسلامیة، ۱۳۷۷.

